

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

طائفة دوم: روایات قاعده ید

طایفه دوم از روایاتی که گفته شده است دلالت می‌کند که در شبهه موضوعی فحص لازم نیست روایاتی است مربوط به قاعده ید یعنی روایاتی که مضمونش این است که اگر مالی دست کسی بود انسان شک دارد آیا این مال ملک او هست یا ملک او نیست؟ شبهه موضوعی است. روایات می‌گویند به این شبهه اعتنا نکن، فحص نمی‌خواهد و بگو این مال ملک طرف است آن وقت می‌توانی از او بخری یا اجاره کنی یا عاریه بگیری و امثال آن.

بعضی از محققین گفته‌اند که این روایات دلالت می‌کند که در شبهه موضوعی فحص و جستجو لازم نیست.

پاسخ این است که از این روایات تعمیم استفاده نمی‌شود بلکه این روایات اشاره به یک قاعده عقلایی هم دارد که ید اماره ملکیت است یعنی اگر مالی دست کسی بود اماره این است که ملک اوست لذا حکم می‌کنیم او مالک است لذا این روایات دلالت نمی‌کند که در مطلق شبهات موضوعی شما می‌توانید فحص نکنید لذا اگر یک ماشین در پارکینگ عمومی است یک نفر هم ایستاده می‌گوید این ماشین مال من است چند می‌خری شبهه موضوعی است، آیا مفاد قاعده ید این است که اینجا هم بگو این ملک آقا است؟ کجا از قاعده ید چنین تعمیمی استفاده می‌شود. لذا این طایفه از روایات هم مورد خاص است و آن هم نکته خاص دارد ید اماره ملکیت است لذا تعمیم استفاده نمی‌شود.

طائفة سوم: روایات باب طهارت و نجاست

طایفه سوم روایات باب طهارت و نجاست است ما روایاتی داریم در باب طهارت و نجاست که مضمونشان این است که به شبهه موضوعی در باب طهارت و نجاست اعتنا نکنید مثلاً روایت حضرت امیر علیه السلام: «**مَا أَبَالِي أَمْ بَوْلُ أَصَابِنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ**»^۲ رطوبتی به لباسم رسیده است شک دارم بول است یا آب است وقتی نمی‌دانم اعتنا نمی‌کنم فحص هم لازم نیست و نظیر این روایات. در مبحث طهارت و نجاست به روایات در این باب دلالت می‌کند که در شبهه موضوعی طهارت و نجاست فحص لازم نیست حکم به طهارت کنید، لکن این دلالت نمی‌کند نه تعلیلی دارد نه جمله‌ای است در روایات که تعمیم از آن استفاده شود لذا روایات اختصاص دارد به باب طهارت و نجاست و ربطی به سایر ابواب ندارد. شبهه موضوعی دماء، شبهه موضوعی فروج، شبهه موضوعی اموال و شبهه موضوعی سایر موارد هم فحص نخواهد این روایات دلالت بر این معنا نمی‌کند.

نتیجه: روایاتی هم که ادعا شده مضمونشان این است که در شبهات موضوعی فحص نمی‌خواهد، برخی از این روایات ربطی به این مطلب ندارد و برخی از روایات هم در مورد خاص است لذا نه قاعده کلی می‌گویند در شبهه موضوعی فحص نمی‌خواهد چون حدیث رفع اطلاق ندارد و نه روایات خاص بیانگر این مطلب است لذا به نظر ما در شبهات موضوعی الا ما خرج بالدلیل فحص لازم است مثل شبهات حکمی.

ان قلت: در کلمات بعضی از اعلام ادعای اجماع شده است که شاید از کلمات **محقق خویی** در یک مورد ظاهر می‌شود.

عرض می‌کنیم اثبات این اجماع بر مدعی است، اولاً ثابت نیست ثانیاً اجماع محتمل المدارک است بعضی می‌گویند اجماع داریم در شبهه موضوعی فحص لازم نیست به حکم اطلاق حدیث رفع، اطلاق حدیث رفع را ما قبول نکردیم، بعضی می‌گویند روایات خاص، روایات خاص هم دال بر تعمیم نیست لذا اجماع هم مورد پذیرش نیست.

احد الاعلام از اساتده^۳ مسجد اعظم ما در مباحث اصولشان نسبت به فحص در شبهات موضوعی مطالبی دارند حاوی سه نکته که اینها قابل توجه است.

نکته اول: ایشان مثل استادشان **محقق خویی** قائلند حدیث رفع اطلاق دارد شامل قبل از فحص و بعد از فحص می‌شود لذا در شبهات موضوعی قبل از فحص براءت جاری است به اطلاق حدیث رفع.

نکته دوم: ایشان می‌فرمایند غیر از اطلاق حدیث رفع ما از روایات هم استفاده می‌کنیم که در شبهه موضوعی فحص لازم نیست. هم اطلاق حدیث رفع، هم از روایات تعمیم استفاده می‌کنند و می‌گویند روایات دلالت می‌کند در شبهه موضوعی فحص لازم نیست روایات طهارت و نجاست، قاعده ید و سوق المسلمین و امثال اینها.

^۱ - جلسه ۴۸ - مسلسل ۲۶۳ - دوشنبه - ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

^۲ - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ ج ۱، ص: ۱۸۰: «۶۲۹- ۱- أَخْبَرَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: مَا أَبَالِي أَمْ بَوْلُ أَصَابِنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ».

^۳ - حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی حفظه الله.

نکته سوم: می‌فرمایند لکن ما مواردی داریم با اینکه شبهه موضوعی است و طبق قاعده فحوص لازم نیست طبق نگاه ایشان و استادشان لکن ما دلیل داریم که در این موارد خاص فحوص لازم است سه مورد را تصریح می‌کنند اینها را بیان کنیم دلیل را ایشان بگوییم تا ببینیم چه باید گفت؟

مورد اول: اگر در نصاب زکات یا در وصول مال به اندازه خمس کسی شک کند، شک دارد این گوسفندان یا این گندم نصاب زکات دارد یا نه؟ شبهه موضوعی است، ایشان طبق اطلاق حدیث رفع و طبق روایات باید بگویند فحوص لازم نیست ولی می‌گویند اینجا فحوص لازم است به حکم دلیل خاص، یا در خمس سر سال است نمی‌داند حساب بانکی چه مقدار است؟ اصلاً خمس به او تعلق می‌گیرد یا فقط به اندازه سرمایه‌اش دارد؟ شبهه موضوعی است می‌فرمایند اینجا فحوص لازم است.

مورد دوم: در باب نماز اگر مکلف شک کند مسافت شرعی را پیموده یا نه نمازش قصر است یا تمام، شبهه موضوعی است اینجا هم مستثناست و فحوص لازم است.

مورد سوم: بحث استطاعت حج است اگر کسی شک دارد آیا مستطیع است یا نه؟ شبهه موضوعی است ایشان می‌فرمایند اینجا فحوص لازم است.

در مورد اول یک دلیل اقامه می‌کنند چرا در شک در وصول مال به نصاب زکات یا شک در وجوب خمس در اموالش فحوص لازم است؟ ایشان می‌فرمایند دلیل ما سیره عقلاست به این بیان که می‌فرمایند عقلای عالم هر حکومتی را در دنیا فرض کنید وقتی مالیات جعل می‌کنند اگر کسی از عقلاء در مظان این مالیات باشد و فحوص نکند ببیند بدهکار حکومت است یا نه، و به اصل برائت تمسک کند بگوید شبهه موضوعی است، اگر در واقع قانون مالیات بر او تطبیق کند دستگاه قضایی آن حکومت او را معاقب قرار می‌دهد و می‌گوید چرا جستجو نکردی؟ در دنیای غرب فرار مالیاتی باعث نابودی تمام سرمایه‌اش می‌شود بر خلاف کشور ما.

ایشان می‌فرمایند ببینید سیره عقلاء بلکه امر مرتکز در نفوس عقلاء این است که وقتی در امور مالیاتی در شبهه موضوعی‌اش کسی فحوص نکند معاقب است. خمس و زکات مالیات اسلامی است وقتی مصداق مالیات بود امر ارتکازی عقلاء اینجا هم جاری است و حتی بالاتر این سیره عقلایی ممکن است دلیل لبی متصل باشد به آن ادله، حدیث رفع می‌گوید فحوص در شبهه موضوعی نمی‌خواهد مگر در امور مالیاتی که فحوص لازم است. این خلاصه کلام استادمان.

عرض می‌کنیم که این نگاه ایشان اگر ما مطلب ایشان را درست فهمیده باشیم مناقشاتی دارد به دو مناقشه اشاره می‌کنیم:

مناقشه اول: ببینید در سیره عقلاء حضرت استاد حفظه الله قائلند سیره عقلا مطلقاً احتیاج دارد به امضای شارع و تا امضای شارع نباشد سیره عقلاء حجت معتبر نیست. حالا ما یک تفصیلی قائلیم عرض ما این بوده است اگر سیره عقلاء از سیری باشد که برگردد به حکم عقل اینجا در حقیقت مدرک حکم عقل است نیاز به امضا ندارد لکن اگر سیره عقلاء به حکم عقل برنگردد نیاز به امضا دارد.

به ایشان عرض می‌کنیم شما که مبنایتان در اصول این مبناست، این سیره عقلاء آیا نیاز به امضای شارع ندارد و آیا اطلاق روایات را که شما قبول دارید رادع از این سیره نیست؟ سیره نه تنها امضا ندارد بلکه رادع هم دارد. شما می‌فرمایید روایات مطلق است دلالت می‌کند در شبهه موضوعی فحوص نمی‌خواهد آیا این روایات رادع این سیره عقلاء نیست؟ عقلاء می‌گویند در امور مالیاتی فحوص می‌خواهد این روایاتی که شما می‌گویید اطلاق دارد می‌گوید فحوص نمی‌خواهد این سیره رادع دارد چگونه به آن تمسک می‌کنید؟

مناقشه دوم: اگر این سیره عقلا را شما ثابت می‌دانید و حجت می‌دانید و حدیث رفع را تقیید می‌زنند، روایات را تقیید می‌زنند آیا سیره عقلا فقط در امور مالی است یا در سایر امور دیگر هم هست؟ شما به همه عقلای عالم مراجعه کنید آیا در قوانین راهنمایی و رانندگی اگر کسی به خاطر تشکیک در موضوع فحوص نکند قانون را رعایت نکند آیا معاقبش می‌دانند یا نه؟

بلا شبهه اگر بنای عقلاست در غیر از امور مالیاتی در سایر امور هم این بناء وجود دارد لذا اگر این بنای عقلاء را قبول دارید در سایر امور هم باید ملتزم به این بناء عقلاء شوید نه فقط در امور مالیاتی.

نقض هم دارد و اختصاص به خمس و زکات ندارد، شما زکات فطره را زکات به معنای اعم نمی‌دانید یا در کفارات که امور مالی است و شاید اشکال دیگری هم به ذهن برسد. دلیل مورد دوم و سوم خواهد آمد.